



این روزها نام ۴ گزینه برای سکنداری وزارت فرهنگ بیشتر از بقیه شنیده می‌شود، کدام یک از آنها بهتر می‌تواند فاصله‌ها را کم کند؟

۱+۳ گزینه برای ارشاد



عاطفه جعفری خبرنگار گروه فرهنگ

دولت چهاردهم برای اینکه بتواند اعضای کابینه را تشکیل دهد، کمیته‌های تخصصی شکل داده است؛ یکی از این کمیته‌ها، فرهنگی و ریاستش برعهده رضا صالحی امیری است. هر کمیته مسئولیت انتخاب چند وزارتخانه را برعهده دارد و کارگروه وزارت فرهنگ با این عنوان شکل گرفته که بتواند با توجه به معیارهای مورد نظر دولت چهاردهم، گزینه‌های مناسب را به رئیس جمهور معرفی کند. علیرضا تابش، محمدرضا جوادی یگانه، برزین ضرغامی، سید محمد بهشتی، محمد مهدی حیدریان، علیرضا رضاداد، امین عارف‌نیا، علی اصغر شفیعیان، محمد جواد حق شناس، مرتضی کاظمی، سروش راسخ، احمد مسجد جامعی، محمد مهدی عسگرپور، فریدون عموزاده خلیلی،

علی اصغر سیدآبادی، علی غیائی، نادر رضایی، ارسطو یاری، محمدعلی خسروی، سید حمید سیدی و سیدمجتبی حسینی اعضای کارگروه انتخاب سکاندار وزارتخانه را تشکیل می‌دهند.

رئیس جمهور منتخب برای افراد پیشنهادی دو شرط مطرح کرده: نخست اینکه سه نفر از میان پنج گزینه پیشنهادی برای هر وزارتخانه باید از چهره‌های جدید و بدون سابقه وزارت باشند و همچنین میانگین سنی کابینه پیشنهادی از ۵۵ بیشتر نباشد. گزینه‌های متعددی در چند هفته بررسی کابینه مطرح شده‌اند و رسانه‌ها این اسامی را برای تصاحب پست وزارت ارشاد نام برده‌اند. حسین انتظامی، حجت‌الله ایوبی، احمد مسجد جامعی، فاطمه مهاجرانی، رسول جعفریان، سیدعباس صالحی، مجتبی حسینی، سید محمد هاشمی و محمد الهیاری، البته با رسیدن به چند گزینه، کسی مانند مجتبی حسینی که عضو کارگروه بود، استعفا داد تا شائبه‌ای در انتخاب او وجود نداشته باشد.

بالاخره بعد از بررسی‌های بسیار، گفته می‌شود پنج اسم به دفتر رئیس جمهور رسیده‌اند: حسین انتظامی، احمد مسجد جامعی، مجتبی حسینی، محمد مهدی عسگرپور و سیدعباس صالحی که با وجود اینکه خودش با اعلام یک نامه انصراف داد و نخواست به‌عنوان یک گزینه مطرح شود اما باز اسمش در اسامی گزینه‌های نهایی وزارت ارشاد به چشم می‌خورد. باز هم در لحظات آخر گفته شد، نام سیدعباس صالحی از گزینه‌های نهایی حذف شده و چهار گزینه یعنی احمد مسجد جامعی، مجتبی حسینی، حسین انتظامی و محمد مهدی عسگرپور به دفتر رئیس جمهور رسیده‌اند. البته این نکته را هم باید بگوییم که به غیر از این چهار گزینه، اسامی دیگری هم از سوی افراد مختلف به دفتر رئیس جمهور رسیده و ممکن است گزینه انتخابی برای وزارت ارشاد از بین این افراد نباشد و رئیس جمهور گزینه دیگری را برای این وزارتخانه انتخاب کند.



موردی بود که او در دوره مسئولیت در وزارت ارشاد با آن روبه‌رو شد و در کتاب پرگار در این باره نوشت: «در شهریورماه ۱۴۰۰ و در روزهایی که انتصاب جایگزین خود را از وزیر جدید آقای دکتر مهدی اسما علی) پیگیری می‌کردم دو- سه بار به ایشان گفتم اگر می‌خواهید اقدامی راهبردی بکنید که جامعه سینماگران هم ممنون شوند بافوریت، برگشت تولیت نمایش خانگی که وزارت فرهنگ را دنبال کنید. جمله‌ای طنزآمیز به ایشان گفتم که بعدها ایشان باذکر منبع بیان می‌کرد با توجه به سیر مفهوم و تعریف سینما در دنیا و جایگزینی تدریجی VODهاگر VODها به ارشاد برگردد تا یکی دو سال دیگر از سازمان سینمایی فقط اداره سینماهای تهران و حومه باقی می‌ماند.»

قانون را رعایت نمی‌کند نمی‌تواند فعالیت کند، پس بداندند خودشان اولین کسانی هستند که باید ممنوع‌الفعالیت شوند چون خود مدیران و مشخصا مسئولان وزارت ارشاد و مدیران سینمایی قانون را رعایت نمی‌کنند.» او به دولت سیزدهم و نگاهی که در حوزه سینما وجود داشت نقد دارد و در گفت‌وگویی با برنامه قاف به این موضوع اشاره کرد و گفت: «بعضی از آنراها دارند از میان می‌روند. شورای پروانه ساخت همچنان روی مدار سنتی خودش فکر می‌کند باید میزبی کند و چیزهایی از این دست. بخشی هم به این برمی‌گردد که چرا باید نهاد صنفی برای اداره خودش اینقدر کاسه‌گدایی نزد شما بیاورد. این چقدر دوست‌داشتنی شده برای مدیران ما؟»

خواهد بود. در گذشته بعضا مدیران فرهنگی کشور صرفا پیشینه و شخصیت سیاسی داشتند و کمتر فردی همانند سیدمحمد خاتمی و سیدعطاء‌الله مهاجرانی، شخصیتی آمیخته به عشق فرهنگ و ادب و هنر در راس قدرت سیاسی فرهنگ داشتند.» مصاحبه‌هایی کمی از زمان حضور او در سال‌های معاونت هنری وجود دارد و به نظر می‌رسد حسینی خیلی اهل گفت‌وگو با رسانه‌ها نباشد. البته گفته می‌شود که او گزینه مطلوب و پیشنهادی جداد عادل برای وزارت ارشاد است و حضور سه‌ساله او در فرهنگستان زبان و ادب فارسی این گمانه را تقویت می‌کند.

سوم و چهارم این است که برای وضعیت مطلوب نقشه راه داشتند. این دفاع نافی کارهای فرهنگی دوره‌های قبل نیست. او معتقد است که در دوره ریاست جمهوری خاتمی گرایش به فرهنگ تاجایی پیش می‌رفت که عملا با کمبود سالن سینما، تالار موسیقی و تئاتر مواجه شدیم. علت این تغییر هم چندوجهی بود. هم در طول آن سال‌ها سطح سواد بالا رفت، هم در سطح مشارکت و حضور زنان و جوانان در عرصه‌های اجتماعی تکثرهای هویتی ایجاد شد؛ نیازهای جدید پدید آمد و جنس نگرش‌های جامعه عوض شد. این تحولات حتی موجب بیشتر رفتن به جلسات قرآنی و مذهبی هم شد و به افزایش محصولات فرهنگی-هنری در این حوزه‌ها انجامید. به هر حال نشاطی در جامعه ایجاد شد که نتیجه آن افزایش گرایش به حوزه فرهنگ بود.

رسانه‌های بخش عمومی و دولتی باید تعطیل یا واگذار شوند. عین همین دیدگاه را در فیلم، کتاب و موسیقی هم دارد. او گفت اگر در راستای اندیشه‌های درست می‌خواهند نقش آفرینی کنند خودشان تصدی‌گری نکنند، بلکه از بخش خصوصی حمایت کنند. زمانی که در سازمان سینمایی مسئولیت داشت و بخشی از این مسئولیت همراه با کرنا شد، اکران آنلاین را کلید زدند و به‌گفته خودش ظرفیت خیلی خوبی در سینما ایجاد شد و شرایط کرونایی هم باعث شد فیلم‌ها بیشتر دیده شود. او معتقد است سینما باید این مسیر را زودتر از این طی می‌کرد و فیلم‌هایی هم که به سمت اکران اینترنتی رفته‌اند، موفقیت‌هایی هم داشته‌اند.» چالش شبکه نمایش خانگی و دعوی صداوسیما و وزارت ارشاد، از دیگر

حسین انتظامی

در گفت‌وگویی که با او داشتیم، گفت: «نگاه افراطی به شفافیت دارم، حتی بخش خصوصی در چهارچوب‌هایی باید مشمول شفافیت باشد.» حسین انتظامی رسانه را به خوبی می‌شناسد، معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد در دولت یازدهم بود، دستیار ارشد وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۹۶ شده و در دولت دوازدهم به سازمان سینمایی رفته بود. او بعد از رفتن از وزارتخانه، تصمیم گرفت کتابی را منتشر کند به نام «پرگار»؛ این کتاب تجربه‌نگاری و جستارهای هشت‌سال حضور او در سطوح عالی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت‌های یازدهم و دوازدهم است.

نگاه انتظامی به رسانه، آن هم رسانه‌های دولتی یا رسانه‌ها با بودجه عمومی هم حاشیه‌هایی را به‌وجود آورده است. او معتقد است

محمد مهدی عسگرپور

سینمایی‌ها و او خوب می‌شناسند. محمد مهدی عسگرپور متولد ۱۳۲۲؛ فارغ‌التحصیل سینما از دانشکده صداوسیما، تهیه‌کننده و کارگردان سینما است. فعالیت سینمایی‌اش را از سال ۱۳۶۶ با کارگردانی فیلم‌های کوتاه آغاز می‌کند. معاونت بخش جنگ بنیاد سینمایی فارابی، سرپرست مرکز سینمای تجربی، مدیرگروه کودک و نوجوان شبکه دوم، مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی، معاون هنری سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران و مدیرعامل خانه سینما را در کارنامه‌اش دارد.

زمانی که مسئولیت خانه سینما را به عهده داشت، به گفته خودش با چالش‌های بسیاری مواجه بود و یکی از این چالش‌ها،

مجتبی حسینی

نگاهش به اقتصاد فرهنگ پرنگ است. مجتبی حسینی چهار سال معاونت هنری وزارت ارشاد در دولت دوازدهم را در کارنامه‌اش دارد اما چیز زیادی از او حتی در آن معاونت هم به چشم نمی‌خورد. می‌گویند حامیان او از سوی صاحبان کسب‌وکارهای فرهنگی از جمله چهره‌هایی که در اقتصاد هنر نقش داشته و در حراج‌های داخلی و بیرونی نقش آفرینی می‌کنند، بسیارند. چند روز پیش روزنامه سازندگی هم یادداشتی از محمد عطریان‌فر منتشر کرد و طی این یادداشت مجتبی حسینی را به‌عنوان گزینه‌ای معرفی کرد که می‌تواند نقش آفرینی

احمد مسجد جامعی

۶۸ ساله است و سابقه وزارت در این وزارتخانه را دارد. تجربه‌اش خوب است اما با آن معیارهایی که رئیس جمهور برای سکنداری وزارتخانه‌ها مدنظر دارد، همخوانی ندارد. اولین مورد سن وی است که باعث می‌شود او را به‌عنوان یک گزینه اصلی در وزارت ارشاد نبینیم. کمی با هم مرور کنیم؛ زمانی که او در وزارت فرهنگ و ارشاد بود چه کارهایی انجام داد و سابقه‌اش در حوزه فرهنگ به چه چیزهایی گره خورده و هنرمندان او را چطور ارزیابی می‌کنند؟

دوره دوم محمد خاتمی، مسئولیت وزارت ارشاد را برعهده داشت. نگاه تعاملی و گعده‌هایش را با اهالی هنر حفظ کرده است. از دوران وزارت موارد زیادی برای او وجود دارد که می‌توان اشاره کرد. سپردن کار به بخش خصوصی او ویژگی‌های وزارت ارشاد او بود و خودش درخصوص این

پیشنهادهایی برای وزیر فرهنگ و ارشاد دولت چهاردهم

کارسختی داری جناب وزیر!



معین احمدیان دبیر گروه فرهنگ

این روزها بخش مهمی از فضای سیاسی کشور، درگیر اتفاقات خاورمیانه است و مردم کوچ و خیابان هم وقایع نظامی و سیاسی پیرامون خود را رصد می‌کنند و هم اینکه با مسائل و چالش‌های اقتصادی که داشته و دارد دست و پنجه نرم می‌کنند. پس در چنین وضعیتی آخرین چیزی که برای مردم اهمیت دارد، موضوع سکنداری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. با این حال جریان‌های فرهنگی و هنری به دلیل اهمیت راهبردی و تاریخی این وزارتخانه، پیگیر تصمیمات کارگروه ویژه انتخاب وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هستند. این کارگروه وظیفه داشته بعد از بررسی سوابق و برنامه‌های افراد صاحب صلاحیت، گزینه‌های پیشنهادی را به سعود پزشکیان ارائه دهد. تصمیم نهایی برای حضور وزیرارشاد در کابینه دولت چهاردهم با رئیس‌جمهور است و تا زمان اعلام رسمی کابینه پیشنهادی دولت به مجلس، بازار گمانه‌زنی درخصوص وزیر ارشاد آینه‌د داغ است. فارغ از اینکه وزیر ارشاد دولت چهاردهم چه کسی خواهد شد، سوال این است که در شرایط فعلی وزیر با چه چالش‌هایی مواجه خواهد بود و برای برون‌رفت از آن چه باید بکند.

وضعیت فرهنگ در سطوح مختلف گرفتار مسائلی است که بخشی از آن جزء موارد حل‌نشده پیشینی جامعه هنری است و بخشی هم در سال‌های اخیر شکل گرفته و حتی در برخی از نقاط، آنگذر دامنه تنش‌ها تشدید شده که در وضعیت بحرانی قرار دارد. اولین مساله مهم وزارت ارشاد در شرایط فعلی فرهنگ، ارتقای جایگاه این نهاد مهم دولتی نسبت به دیگر سطوح حکمرانی فرهنگی است. اینکه وزارت ارشاد باید چه نسبتی با ارگان‌ها، وزارتخانه‌ها و همچنین دیگر مجموعه‌های فرهنگی همچون سازمان صداوسیما، سازمان تبلیغات اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی داشته باشد. وزیر ارشاد در اولین گام، ضمن تقویت نقاط اثرگذاری‌اش بر ساحت‌های مختلف فرهنگ، بایستی بتواند در تعاملی سازنده با نهاد‌های موازی، نقش راهبری فرهنگی را ایفا کند و این مهم محقق نخواهد شد جز از سوی فردی که وزنه قابل اعتنایی در کابینه دولت باشد و بتواند با اتکا به سابقه مدیریت فرهنگی خود، ارتباطی مستمر و راهبردی با دیگر دستگاه‌ها برقرار کند. جریان‌های فعال فرهنگی، یک سابقه ذهنی از تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی جریان سیاسی اصلاح‌طلب در حوزه فرهنگ دارند که بر مبنای آن پیش‌بینی می‌کنند دولت چهاردهم در نقاط مختلفی از ایده‌ها اجرای برنامه‌های فرهنگی، مستعد گلوژیز شدن با دیگر نهاد‌های فرهنگی است. در چنین شرایطی وزیر ارشاد می‌تواند با پرهیز از تنش‌های بی‌حاصل، توانمندی وزارتخانه متبوعش را بااستخدام سایر بخش‌های فرهنگی کشور توسعه دهد. وزارت فرهنگ قوی، قطعاً قوای حکمرانی فرهنگی کشور را مستحکم‌تر خواهد کرد و اگر دستگاه‌های بیرونی در نسبتی محترمانه و روشمند با این وزارتخانه قرار نگیرند، نه‌تنها باعث تضعیف این بخش استراتژیک خواهند شد، بلکه تصمیم‌ها و مجوزهای این نهاد را هم بی‌اعتبار خواهند کرد. اولین شخصی که می‌تواند از حیثیت این وزارتخانه دفاع کند، شخص وزیر ارشاد است و توانمندی و همچنین اقتدار او در تفاهم با نهاد‌های بیرونی ارشاد مانع از دخالت‌های بی‌مورد و غیرتخصصی در حوزه فرهنگ خواهد شد.

یکی دیگر از کلان‌پروژه‌هایی که وزارت ارشاد با هوشمندی و ظرافت می‌تواند پیش ببرد کم کردن فاصله‌های بین بخش‌های مختلف فرهنگی است. در سال‌های اخیر، تکرانه‌های اجتماعی رخ داده که نتایج آن در نقاط مختلف جامعه هنری هم قابل احصا است. علاوه‌بر این، مسائلی هم به‌صورت تاریخی بین اهالی هنر و بخش تصمیم‌گیرنده فرهنگی وجود داشته که سوء تفاهم‌های بین هنرمندان و مدیریت فرهنگی را تشدید کرده است. اینکه جزیره‌های جداافتاده فرهنگ در تعاملی سازنده با هم قرار بگیرند، در شرایط فعلی کار ساده‌ای نیست اما نشدنی هم نیست و وزیر ارشاد می‌تواند با تکیه بر امکانات و ظرفیت‌های موجود، زمینه‌های تفاهم بیشتر را فراهم کند. وزیر فرهنگ و ارشاد با واسطاری مسئولیت‌ها به هنرمندان و همچنین درگیر کردن آنها با مسائل اساسی‌شان، می‌تواند چالش‌های پیش‌رو را با تقویت کانال اعتمادسازی برطرف سازد.

شیوه تنظیم‌گری در بخش‌های مختلف وزارت ارشاد از جمله موارد اختلافی حوزه فرهنگ است و جامعه هنری درمورد شیوه حمایت‌های دولتی از آثارشان و تبعیض‌هایی که بنا به سلاقی مدیریتتی وجود داشته و دارد، گلایه‌مندند. وزارت فرهنگ و ارشاد اگر بخواهد از فرآیند تنظیم‌گری و هدایت تولیدات هنری حذف نشود باید نسبت واقعی‌تری با امروز جامعه هنری پیدا کند و شیوه‌های حمایتش را هم به‌روزرسانی کند. زیرمجموعه‌های وزارت ارشاد اگر خطوط واضحی از تنظیم‌گری و همچنین سازوکار‌های حمایتی خود ارائه ندهد، جامعه هنری سردرگم شده و برای فرار از سیاست‌های چندگانه، جایگزین‌هایی بیرون از دستگاه فرهنگی انتخاب خواهد کرد.

در مختصات جدید فرهنگی که عرصه‌های تولید و انتشار اثر در حال نو شدن هستند، بایستی زیرساخت‌های متناسب با این مختصات جدید را هم تأمین کرد. تقویت زیرساخت‌ها فقط معطوف به سخت‌افزارها و ساخت‌وساز پروژه‌های عمرانی نیست، بلکه باید قوای هنری پنهان‌شده در متن جامعه، صورتی‌بالنده پیدا کند. واضح است که مجموعه وظایف یک مدیر فرهنگی متفاوت از یک مدیر عمرانی است و مجموعه سیاستگذاری‌های او هم باید مبتنی بر نگاهی بلندمدت باشد. توجه به آموزش هنر، حمایت از استعدادها و طراحی و نوسازی فرآیندهای تولید و انتشار آثار هنری به‌گونه‌ای که متناسب با واقعیت‌های امروز رسانه باشد از جمله ضرورت‌های شناختنی وزیر ارشاد است.

مسائل امروز فرهنگی با تمام نقاط پنهان و آشکاری که دارد، گرفتار مسائل و پیچیدگی‌ها است و در بیشتر نقاط حوزه فرهنگ، کلافی سردرگم شده است و باید گفت وزیرارشاد بعدی برای باز کردن گره‌های این کلاف، کارسختی در پیش دارد.